



نقش سنت‌های مذهبی در تشدید روند انقلاب اسلامی

«بازخوانی برگزاری چهلم شهدای تبریز در تشدید شور انقلابی مردم جهرم»

وحید کارگر جهرمی^۱
مصطفی جوان^۲

چکیده

در هفدهم دی ماه سال ۱۳۵۶ مقاله‌ای تحت عنوان «ارتجاع سرخ و سیاه در ایران» در روزنامه/اطلاعات به چاپ رسید. نویسنده ضمن توهین به امام خمینی، ایشان و مخالفان انقلاب سفید شاه را عوامل ارتجاع معرفی کرده بود. انتشار این مقاله موجب انفجار خشم مردم مسلمان و انقلابی ایران گردید. در پی انتشار این مقاله توهین آمیز، جرقه‌ای در قم، شهر خون و قیام زده شد که این قیام توسط عمال رژیم پهلوی به خاک و خون کشیده شد و در پی آن عده‌ای شهید و مجروح شدند. به دنبال این حادثه شهر مبارزه خیز تبریز به مناسبت اربعین شهدای قم مراسم باشکوهی برگزار کرد. این حرکت مردم تبریز با حمله مأموران مسلح رژیم به مردم بی دفاع به خاک و خون کشیده شد. در چهلم شهدای تبریز، مردم مسلمان ایران در اکثر شهرهای کشور بالاخص در شهر جهرم در ۱۰ فروردین ۵۷ دست به تظاهرات زدند. مقاله حاضر می‌کوشد از طریق مصاحبه با

۱. پژوهشگر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی تهران
 ۲. کارشناس ارشد تاریخ و مدرس دانشگاه پیام نور تهران



افرادی که در نهم و دهم فروردین ۱۳۵۷ به ایفای نقش پرداختند و همچنین با بررسی اسناد و مدارک موجود و منتشر نشده، گوشه‌ای از مبارزات مردم جهرم به رهبری علما را در این واقعه تاریخی بازگو نماید.

کلیدواژه‌ها: جهرم، قیام ۱۹ دی قم، قیام ۲۹ بهمن تبریز، قیام ۱۰ فروردین جهرم، چهلم شهدای تبریز، علمای مبارز، شهید معصومه زارعیان.

مقدمه

در هفدهم دی ماه سال ۱۳۵۶ مقاله‌ای تحت عنوان «ارتجاع سرخ و سیاه در ایران» با نام مستعار احمد رشیدی مطلق در روزنامه/اطلاعات به چاپ رسید. نویسنده ضمن توهین به حضرت آیت‌الله‌العظمی خمینی ایشان و مخالفان انقلاب سفید شاه را عوامل ارتجاع معرفی کرده بود. انتشار این مقاله موجب انفجار خشم مردم مسلمان و انقلابی ایران گردید. در پی انتشار این مقاله توهین آمیز، جرقه‌ای در قم، شهر خون و قیام زده شد که سرانجام با تظاهرات مردمی دیگر شهرهای ایران شعله‌های انقلاب که سراسر ایران اسلامی را فرا گرفته بود، توسط عمال رژیم پهلوی به خون کشیده شد و در پی آن عده‌ای شهید و مجروح شدند. به دنبال این حادثه دردناک، حضرت امام خمینی کلاس درس و نماز جماعت را به منظور ابراز همدردی با مردم ایران و اعتراض به کشتار مردم قم در نوزده دی تعطیل کردند و دیگر مراجع و علما نیز اقدامات مشابهی انجام دادند. این مبارزات به صورت انتشار اطلاعیه‌ها، سخنرانی‌ها و درگیری‌های پراکنده ادامه داشت تا اینکه اربعین شهدای قم نزدیک شد و شهرهای مختلف کشور آماده برگزاری مراسم چهلم این شهدای مظلوم شدند. شهر تبریز نیز به مناسبت اربعین شهدای قم در ۲۹ بهمن مراسم باشکوهی برگزار کرد. این حرکت مردم تبریز با حمله مأموران مسلح رژیم به مردم بی دفاع، به خاک و خون کشیده شد. به دنبال این حادثه مراجع، علما، گروه‌ها و اتحادیه‌های مختلف با انتشار بیانیه‌هایی کشتار مردم تبریز را به شدت محکوم کردند. در پی کشتار بی رحمانه مردم در قم و تبریز، حضرت امام (ره) ضمن اعلام اعزای عمومی، عید نوروز سال ۱۳۵۷ را تحریم فرمودند و ملت نیز به پیروی از رهبر نهضت، مراسم عید را برگزار نکردند و در ماتم شهدای قم و تبریز به سوگ نشستند؛ تا اینکه چهلم شهدای تبریز (دهم فروردین) نزدیک شد. با نزدیک شدن چهلم شهدای تبریز، مردم مسلمان در اکثر شهرهای ایران بالاخص در شهر جهرم دست به تظاهرات زدند. در ۱۰ فروردین ۵۷ در شهر جهرم اجتماع مردم برای بزرگداشت شهدای تبریز و همچنین

تحریم عید نوروز توسط علما و روحانیون به تظاهراتی شورانگیز بدل شد و سینه مردم این شهر سیر گلوله سربازان شاه گردید. در این مقاله کوشش شده است که از طریق مصاحبه با افرادی که در آن دوره در جهرم حضور داشتند و همچنین با بررسی اسناد و مدارک موجود و منتشر نشده تاریخی، گوشه‌ای از این واقعه تاریخی به طور اجمالی و کوتاه بازگو شود.

برگزاری مراسم چهلم شهدای تبریز در جهرم

در روز ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ که مصادف با چهلم فاجعه ۱۹ دی قم بود، در بسیاری از شهرها و نقاط کشور مجلس ختم و سوگواری برگزار شد. مأموران رژیم از برگزاری مراسم ختم در مسجدی در شهر تبریز جلوگیری کردند. به دنبال آن درگیری وسیعی بین مردم و نظامیان رژیم به وجود آمد و شهر تبریز در اثر مقاومت و پایمردی مردان، زنان، جوانان، بازاریان و دانشجویان از خون رنگین شد. فاجعه قم و قیام خونین مردم تبریز و انعکاس برخورد رژیم در این دو واقعه با ملت به پاخاسته و مسلمان و بی‌احترامی که طی این وقایع نسبت به مقامات روحانی به عمل آمد، رفته رفته بیشتر شهرهای کشور را از حالت عادی خارج ساخت. در چندین شهر مردم با برپایی مجالس سوگواری آمادگی خود را جهت به ثمر رساندن مقاصد مشروع مراجع تقلید و بالاخص امام خمینی که ۱۴ سال بود در ضدیت و مخالفت با رژیم خود کامه در تبعید به سر می‌برد اعلام داشتند. این آمادگی و هیجان در چهلم شهدای تبریز، به خصوص در چندین شهر طی برگزاری مجالس سوگواری بیشتر تجلی کرد. یکی از این شهرها، شهرستان جهرم بود که مردم مسلمان آن با ازدحام خود در مساجد و راهپیمایی‌ها اعمال رژیم را به باد انتقاد گرفتند.^۱

برگزاری مراسم چهلم شهدای تبریز در روز ۹ فروردین

در ماه‌های قبل از پیروزی انقلاب مردم مرتب شاهد به خاک و خون کشیده شدن فرزندان برومند ایران زمین در اقصی نقاط میهن خود به دست عوامل رژیم پهلوی بودند و در سوگ شهادت عزیزانی که به دست عمال رژیم به شهادت می‌رسیدند می‌نشستند. در فروردین ماه ۱۳۵۷ قرار شد به مناسبت چهلم شهدای تبریز و به دنبال بیانیه علما و مراجع قم و شیراز حضرات آیات عظام گلپایگانی، مرعشی نجفی، محلاتی و آقای شریعتمداری، جلسه بزرگداشت شهدا در مسجد جامع جهرم برگزار شود. همان طور که ساواک پیش‌بینی می‌کرد مراسم چهلم شهدای تبریز در جهرم با استقبال

۱. علی دوانی، نهضت روحانیون/یران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷، ج ۷ و ۸، ص ۱۰۳-۱۰۲.



بی سابقه‌ای روبه‌رو شد؛ به طوری که این مراسم در این شهر در دو روز یعنی روز نهم و دهم فروردین برگزار گردید^۱ و در آن دو روز آیت‌الله سید حسین آیت‌اللهی (نوه آیت‌الله سید عبدالحسین نجفی لاری) و آیت‌الله اصفهانی به سخنرانی پرداختند و عمداً نام امام خمینی را بر فراز منبر بردند.^۲

آقای حاج غلامعلی مهربان یکی از افرادی که در آن دوره حضور داشته نقل می‌کند: چند روز قبل از برگزاری مراسم چهلم شهدای تبریز، آیت‌الله سید حسین آیت‌اللهی تلفنی به من خبر دادند که قصد ملاقات با شما را دارم. بنده نیز بی‌درنگ به منزل ایشان رفتم. آقا فرمودند که باید به هر نحوی که شده مراسم چهلم شهدای تبریز در چهارم برگزار شود. دو نفری به منزل آیت‌الله حق شناس رفتیم تا با ایشان در این باره مشورت کنیم. برنامه‌ریزی برگزاری مراسم را در آن جلسه کردیم. قرار شد روز نهم فروردین چهلم شهدای تبریز در مسجد جامع چهارم برگزار گردد. در روز نهم فروردین مطابق با برنامه‌ای که آیت‌الله حق شناس و آیت‌الله سید حسین آیت‌اللهی تعیین کرده بودند به مسجد جامع چهارم رفتیم. اما متوجه شدیم که درهای مسجد توسط نیروهای رژیم قفل شده است



مسجد جامع چهارم محل برگزاری مراسم چهلم

۱. روح‌الله حسینیان، یک سال مبارزه برای سرنگونی شاه، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۱۸۴.
 ۲. مصاحبه با آقای حاج شکرالله جهان‌مهبین از مبارزان انقلاب اسلامی، چهارم آذرماه ۱۳۸۸.



و مسجد در محاصره نیروهای نظامی و شهربانی است. بعد از این ماجرا به طرف منزل آیت‌الله حق‌شناس حرکت کردم. مردم زیادی در آنجا جمع شده بودند گفتند که آیت‌الله سید حسین آیت‌اللهی و آیت‌الله حاج نمازی به پیش رئیس شهربانی جهرم که در آن زمان سرهنگ کمال تصاعدی بود رفته‌اند تا با ایشان صحبت کنند و از او بخواهند درهای مسجد را باز کنند. آنها به توافق رسیده بودند تا آنها بدون سر و صدا آرامش به مسجد بروند و قرآن و فاتحه‌ای بخوانند و بعد با آرامش آنجا را ترک کنند. خلاصه مجلس در روز ۹ فروردین شروع شد.^۱

در حالی که مأموران اطراف مسجد جامع را محاصره کرده بودند مراسم با قرائت قرآن کریم آغاز شد و سپس مرحوم آیت‌الله سید حسین آیت‌اللهی شروع به سخنرانی پیرامون فرماندهی و قدرت فتوی نمودند. در پایان، سخنران به ذکر مصیبت شهدای قم و تبریز پرداخت و اعلامیه حضرت آیت‌الله محلاتی قرائت گردید.^۲
 آقای حاج غلامعلی مهربان در ادامه نقل می‌کنند:

بعد از پایان مجلس در روز نهم فروردین که خواستیم ختم مجلس را اعلام کنیم، نامه‌ای به دست ما دادند و گفتند فردا روز دهم فروردین روز چهلم شهدای تبریز است. بنابراین من در همان جلسه به همه مردم که در آن جلسه حضور داشتند اعلام کردم که فردا جلسه‌ای در همین مسجد (مسجد جامع) برگزار می‌گردد.

آقای حاج سعید مسعودی درباره اینکه چرا مراسم چهلم شهدای مردم تبریز در دو روز در جهرم برگزار شد می‌گویند:

با نزدیک شدن به چهلم شهدای تبریز (دهم فروردین) و رسیدن اعلامیه مراجع قم یعنی آیات عظام گلپایگانی، مرعشی نجفی و آقای شریعتمداری، به امر آیت‌الله حق‌شناس و صلاحیت دیگر علما مجلس چهلم در مسجد جامع برگزار گردید ولی به دلیل اینکه آیت‌الله محلاتی تعطیلی و برگزاری مجلس چهلمین روز شهدای تبریز را روز بعد از اعلام مراجع قم اعلام کرده بودند، بنابراین در جهرم دو روز مجلس در مسجد جامع برگزار گردید.^۳

۱. مصاحبه با آقای حاج غلامعلی مهربان از مبارزان انقلاب اسلامی، جلسه دوم، جهرم، آذرماه ۱۳۸۸.

۲. مصاحبه با خانم منصوره مصدقی از مبارزان انقلاب اسلامی، جهرم، دی‌ماه ۱۳۸۸.

۳. مصاحبه با آقای سعید مسعودی داماد آیت‌الله شفیعی و از مبارزان انقلاب اسلامی، جهرم، بهمن‌ماه ۱۳۸۸.



برگزاری مراسم چهلمین روز شهدای مردم تبریز در روز دهم فروردین و نیروهای ساواک بعد از پایان مراسم چهلم شهدای تبریز در روز نهم فروردین، و هنگامی که از احتمال برگزاری دوباره این مراسم در فردای آن روز در مسجد جامع آگاهی یافتند به این فکر افتادند تا سیستم صوتی مسجد جامع را قطع کنند. به همین علت بلندگوهای آن مسجد را به هر شکلی که بود از کار انداختند. اما عده‌ای از مبارزان انقلاب در جهرم که از این اقدام رژیم آگاهی یافته بودند در صدد برآمدند تا به طور مخفیانه بلندگوهای مسجد را تعمیر کنند تا هنگام برگزاری مراسم فردا مشکلی به وجود نیاید. آقای اسماعیل نیک‌فر در این باره می‌گویند:

اینجانب به اتفاق شهید غلام توحیدی و شهید اسدالله کیهانی^۱ بر آن شدیم تا به طور مخفیانه سیستم صوتی و برقی مسجد را برای مراسم روز دهم فروردین ماه که توسط مأموران رژیم قطع گردیده بود، راه اندازی کنیم. لازم به ذکر است که هر سه نفر ما در رشته برق درس خوانده بودیم و با این کار آشنایی داشتیم. خلاصه وقتی که مردم شرکت کننده در مراسم چهلمین روز شهدای تبریز در روز نهم فروردین مسجد را ترک کردند و حتی خادم مسجد نیز رفت و مسجد خالی از جمعیت شد، اینجانب به همراه غلام توحیدی در مسجد پنهان شدیم و دو نفری در آن تاریکی سیستم صوتی آنجا را تعمیر کردیم. آقای کیهانی هم بر طبق نقشه قبلی میکروفونی را برای ما تهیه کرده بود و آن را از بالای مسجد و به وسیله طنابی به داخل مسجد فرستاد. ما نیز بلندگو را در جای مناسب نصب کردیم و صبح روز دهم فروردین که جمعیت آمد، مسجد همه امکانات را داشت.^۲

آقای ابراهیم جمالی درباره چگونگی برنامه‌ریزی برای برگزاری هر چه بهتر مراسم روز دوم (دهم فروردین) می‌گویند:

اینجانب به همراه برادران عزیزم جناب آقای حاج غلامعلی مهربان و نصرالله میمنه در ساعت ۷ صبح ۱۳۵۷/۱/۱۰ به خدمت حضرت آیت‌الله سید حسین آیت‌اللهی رفتیم و موضوع را با ایشان در میان گذاشتیم و برنامه‌هایی را که قرار بود اجرا شود توضیح دادیم. برنامه‌هایی را که

۱. در تاریخ ۱۳۶۰/۹/۹ در جریان جنگ تحمیلی به شهادت رسیدند.
۲. مصاحبه با آقای اسماعیل نیک‌فر، از مبارزان انقلاب اسلامی، جهرم، بهمن‌ماه ۱۳۸۸.



ما برای حضرت آقا شرح دادیم عمدتاً قرائت قرآن، فاتحه خوانی برای شهدا، سخنرانی، خواندن مرثیه و در پایان قطعنامه که خواسته عامه مردم در آن لحاظ شده بود. با توجه به حساسیتی که ساواک بر روی حضرت آقا داشتند و تهدید و خطاری که به وی کرده بودند شاید هر فرد دیگری که جای ایشان بود برای دخالت کردن در چنین برنامه سنگینی عذر می‌آورد؛ اما ایشان با اینکه منزلشان همیشه زیر نظر و تحت کنترل مأموران ساواک بود با خوش رویی و شجاعت همیشگی که داشت، به گرمی از آن استقبال کرد. به هر حال تقسیم کار شد و قرار شد که پس از قرائت قرآن، جناب آقای مهربان سخنرانی کنند. یک نفر هم مرثیه بخواند.

آقای جمالی در ادامه می‌گویند:

پس از اینکه معلوم شد چه کسی قرآن بخواند و سخنرانی کند و نیز مرثیه بخواند به دنبال فردی بودیم که قطعنامه بخواند. مهمترین کار همین بود. ابتدا پیشنهاد شد که من قطعنامه بخوانم. من هم به ناچار پذیرفتم. اینکه می‌گویم به ناچار به علت این است که مأموران امنیتی شاه قبلاً مرا احضار و به من اخطار کرده بودند که در هیچ برنامه‌ای شرکت و نیز دخالت نکنم؛ اما مگر می‌شد در چنان شرایطی در هیچ برنامه‌ای شرکت نکرد. در همین لحظه آیت‌الله سید حسین آیت‌اللهی فرمودند کس دیگری به ذهنتان نمی‌رسد؟ دوستان پرسیدند چه اشکالی دارد. فرمود جمالی معلم و کارمند دولت است و خواندن چنین قطعنامه‌ای آن هم برای یک نفر که کارمند دولت است و شناخته شده هم می‌باشد چه بسا ممکن است خیلی گران تمام شود. نظر آقا بر آن بود که فردی که می‌خواهد قطعنامه بخواند حتی الامکان شناخته شده نباشد یا کمتر او را بشناسند. بعد بحث آقای نصرالله میمنه به میان آمد که با موافقت آقا و حاضران همراه بود... نهایتاً قرار شد هنگام خواندن قطعنامه عده‌ای دور میکروفن بلندگو تجمع کنند و بعد آقای میمنه شروع به خواندن این قطعنامه کنند.^۱

مسجد جامع جهرم در روز دهم فروردین مملو از جمعیتی شد که اکثرآ از جوانان

۱. مصاحبه با آقای ابراهیم جمالی از مبارزان انقلاب اسلامی، جهرم، آذرماه ۱۳۸۸.



تشکیل شده بودند. حتی در بیرون از مسجد هم جمعیت زیادی وجود داشت. در ابتدای جلسه آقای سید محمد شهیم، شعری را که از کتاب مکتب/سلام استخراج کرده بود خواند و احساسات حاضران به جوش آمد. معنا و مفهوم آن شعر که به سبک نو سروده شده بود، این بود که پایان حکومت ظالمان و ستمگران فرا رسیده و مردم امیدوار به حرکت خود باشند. زیرا این جملات در شعر لحاظ شده بود:

دگر صبح است دگر صبح است و پایان شب تار است

دگر صبح است و بیداری سزاوار است^۱

در این روز سخنرانان دیگری نیز از جمله آقای حاج غلامعلی مهربان سخنرانی کردند. اما آنچه بیش از همه مردم را به وجد آورد سخنرانی آیت‌الله حاج اصفهانی بود. در این روز آیت‌الله حاج اصفهانی در منبر مطالب تندی علیه رژیم ایراد کردند و مردم با فریاد صحیح است، صحیح است، بیانات ایشان را تأیید نمودند.^۲ بعد از پایان سخنرانی ایشان، آقای نصرالله میمنه از این فرصت به دست آمده نهایت استفاده را بردند و شروع به خواندن قطعنامه کردند. محور اصلی قطعنامه، ورود امام به ایران بود. بندهای دیگر این قطعنامه عبارت بودند از: اجرای احکام اسلام، اجرای مسائل دینی، رفع ظلم و ستم، بستن مشروب‌فروشی‌ها، برداشتن سانسورهای بی‌مورد و آزادی زندانی‌های سیاسی - مذهبی که در این باره دستگیر شده‌اند.^۳ هر بند از قطعنامه که خوانده می‌شد مردم این‌گونه پاسخ می‌دادند: صحیح است؛ صحیح است؛ صحیح است.^۴

ساواک مراسم روز دهم فروردین ماه جهرم را که به مناسبت برگزاری چهلم شهدای تبریز برگزار شد؛ به این شکل گزارش می‌دهد:

عصر روز مجلس یادبود مقتولین حوادث تبریز در مسجد جامع جهرم برگزار شده است. در این مجلس شخصی به نام محمدرضا اصفهانی سخنرانی کرده و با اشاره به حوادث تبریز، مطالب تحریک‌آمیزی عنوان نموده است. پس از سخنان مشارالیه یک نفر دانش‌آموز در پای منبر مطالبی ایراد و به اصطلاح قطعنامه‌ای در ۸ ماده قرائت نموده که مسائل آن پیرامون مراجعت خمینی به ایران و برقراری حکومت اسلامی در

۱. همان.

۲. مصاحبه با آقای سعید مسعودی.

۳. مصاحبه با آقای نصرالله میمنه از مبارزان انقلاب اسلامی، جهرم، دی‌ماه ۱۳۸۸.

۴. مصاحبه با آقای ابراهیم جمالی.

کشور بوده است.^۱



نمونه‌ای از تظاهرات مردم جهرم

درگیری نیروهای نظامی رژیم شاه با مردم جهرم پس از برگزاری مراسم چهلیم شهدای تبریز

پس از پایان مراسم در مسجد جامع در روز ۱۰ فروردین ۱۳۵۷ مطابق با ربیع‌الثانی ۱۳۹۸ در شهرستان جهرم، بار دیگر میان مردم و مأموران مسلح درگیری‌هایی رخ داد که جمعی مقتول و بازداشت و مجروح شدند.^۲ نزدیکی‌های غروب، برنامه به اتمام رسید. نیروهای امنیتی اعم از آنهایی که در لباس نظامی و غیر نظامی بودند در آماده‌باش بودند؛ زیرا احتمال می‌دادند که پس از پایان برنامه، مردم با آنها درگیر خواهند شد. با تاریک شدن هوا کم‌کم درگیری شروع شد. مسبب آن هم خود مأموران بودند. هر کسی را که در خیابان می‌دیدند، ولو آنکه در برنامه شرکت نداشته بود، با او پرخاشگری می‌کردند و بعضاً می‌گرفتند و کتک می‌زدند. مردم جهرم بعد از اینکه چنین وضعیتی را مشاهده کردند، دست به تظاهرات علیه حکومت شاهنشاهی زدند. مأموران رژیم نیز با شلیک تیر هوایی و پرتاب گاز اشک‌آور به تظاهرکنندگان در میدان ششم بهمن (میدان شهدا فعلی) حمله کردند. هر چند مردم

۱. انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، تهران، تدوین مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، سروش (صدا و سیما)، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۱۲۶.
۲. علی دوانی، همان، ص ۱۰۲.



در کوچه و پس کوچه‌های شهر در حالی که مأموران آنان را تعقیب می‌کردند پراکنده شدند، ولی تا پاسی از شب در کوچه‌ها و بر فراز پشت‌بام‌ها علیه رژیم شعار می‌دادند.^۱ آقای حاج شکرالله جهان‌مهین از جمله افرادی بود که در آن مراسم حضور داشت. وی حادثه را این‌گونه تشریح می‌کند:

بعد از پایان مراسم تمام خیابان و به خصوص محله صحرا و بولوار شهید رجایی کنونی (فردوسی) مملو از جمعیت معترض بود که با گاز اشک‌آور و با پاشیدن آب مأموران شهربانی روبه‌رو شدیم.^۲

در نتیجه برخورد مردم با مأموران رژیم یک نفر خانم در جهرم به نام معصومه زارعیان به شهادت رسید و نام خود را به عنوان اولین شهید انقلاب اسلامی در جهرم ثبت کرد. علاوه بر این، تعداد زیادی از مردم جهرم نیز در این درگیری‌ها زخمی و دستگیر شدند. سرگرد خائف فرمانده نیروهای سرکوبگر خلاصه‌ای از حوادث جهرم را ساعت به ساعت به تهران تلفنگرام می‌کرد. اولین متن مخابره‌شده پس از شروع تیراندازی به مردم چنین بود:

تیراندازی افراد انتظامی علیه متظاهرين شهرستان جهرم که از ساعت ۱۹:۳۵ دقیقه شروع شد همچنان در محله مصلی به طور پراکنده ادامه دارد و برابر اطلاع حدود شش نفر از متظاهرين زخمی، که در بیمارستان شیر و خورشید جهرم بستری شده‌اند. تظاهرات مردم حدود ساعت ۲۳:۳۰ پایان یافت.

سرگرد در ۵۵ دقیقه بامداد نوشت:

تظاهرات جهرم حدود یک ساعت و نیم قبل تمام و شهر به کلی خلوت شده و نیروهای انتظامی به محل کار خود مراجعت نمودند. ضمناً شیشه بانک پارس باجه مصلی و چند مغازه در بلوار فردوسی و تعدادی اتومبیل شکسته شده است.

منابع امنیتی نتیجه رویارویی نیروهای نظامی با مردم را یک شهید و ۱۲ مجروح گزارش دادند.^۳ به گزارش اسناد ساواک پس از خاتمه مجلس یادبود، تعدادی از مردم که در مسجد جامع بوده‌اند از آنجا خارج شده‌اند و در پنج نقطه شهر به تظاهرات و شکستن شیشه‌های اتومبیل‌ها و یکی از حمام‌های شهر اقدام نموده‌اند. مأموران انتظامی برای

۱. مصاحبه با آقای ابراهیم جمالی.

۲. مصاحبه با آقای حاج شکرالله جهان‌مهین.

۳. انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، همان، ص ۱۱۷-۱۱۶.

متفرق کردن اخلاگران به تلاش پرداخته و ابتدا با استفاده از ماشین‌های آب‌پاش و گاز اشک‌آور و شلیک هوایی، سعی در پراکنده نمودن تظاهرکنندگان کرده‌اند، اما آنها با پرتاب سنگ و مواد آتش‌زا مبادرت به مقاومت کرده‌اند که مأموران انتظامی ناگزیر به تیراندازی شده و بر اثر آن، یک دختر ۲۰ ساله کشته و ۱۲ نفر مجروح شده‌اند. حال یکی از مجروحان وخیم بوده که برای معالجه به شیراز اعزام گردیده است. در این جریان جمعاً ۲۲ نفر دستگیر شده‌اند و سرانجام در ساعت ۲۳:۳۰ وضع شهر به حال عادی برگشته است.^۱

اطلاعیه جمعی از مردم جهرم به مراجع تقلید پس از برگزاری مراسم چهلمین روز شهادت مردم تبریز

بعد از این حادثه، تعدادی از دانشجویان و روحانیون جهرم در اعلامیه‌ای به حضور مراجع تقلید و مردم مسلمان ایران، از وضعیت بحرانی جهرم پس از برگزاری مراسم چهلیم شهدای تبریز در این شهر آگاهی دادند و به شدت از عملکرد مأموران رژیم شاه انتقاد کردند. در این اعلامیه آمده است:

بسم الله القاصم الجبارین

اطلاعیه مردم داغ‌دیده و مصیبت‌زده جهرم به حضور مراجع تقلید و
همه برادران مسلمان

ما مردم جهرم در روز چهلیم شهدای تبریز طبق اعلان عزای عمومی حضرت آیت‌الله‌العظمی آقای خمینی و مراجع تقلید در مسجد جامع شهر جهرم مجلس ختمی برگزار نمودیم و تا ساعت ۶/۵ بعد از ظهر ادامه داشت. پس از پایان مجلس شرکت‌کنندگان عازم منازل خود بودند. کثرت جمعیت تمام خیابان اطراف مسجد پوشانده و مردم با کمال آرامش و بدون تظاهرات حرکت می‌کردند. افراد پلیس در میدان ششم بهمین متمرکز شده بودند و مردم با خشم خود دیدند که یکی از افراد پلیس شیشه بانکی را شکسته و پس از آن، حمله مسلحانه دژخیمان سوگندخورده شروع شد. تیراندازی پیاپی و ناگهانی مردم را دچار حیرت کرده بود یعنی چه؟ نه تظاهراتی؟ نه تهاجمی؟ نه تخریبی؟ چرا و به چه مجوز قانونی پلیس روی ما آتش گشود؟ چرا از ماشین آب‌پاش و یا

۱. همان، ص ۱۲۶.





گاز اشک‌آور برای متفرق کردن جمعیت استفاده نکرد؟ آیا اینان سوگند خورده‌اند که فقط خون بریزند و با کشتار و ترور احساسات ملت را بخوابانند؟ نه؛ دیگر دیر شده است. آری؛ اینان مانند برگ درخت، جوانان ما را روی هم ریختند و از عدد کشته‌شدگان اطلاع کامل نداریم. همین اندازه دیدیم که در اوایل حمله ششش نفر را که شهید شده‌اند و پس از آن تعداد شهدا به چند نفر رسیده‌اند؛ نمی‌دانیم و باز حیات فراوان توانستیم اطلاع حاصل کنیم که در یکی از بیمارستان‌ها بیش از ۵۰ نفر مجروح وجود دارد که حالشان رو به وخامت است و در آستانه شهادت می‌باشند و تعداد خیلی زیادی از زخمیان در منازل معالجه می‌شوند و پس از تیراندازی بی‌رحمانه تا چند روزی شهر جهرم حکومت نظامی بود و از افراد کشته‌شدگان و زخمیان و یا زیر بار شکنجه دژخیمان اطلاعاتی نداریم و فعلاً هم در تمام کوچه و پس‌کوچه‌های شهر، افراد پلیس و گارد مستقر هستند. هر کس را ببینند، می‌گیرند و می‌زنند و به زندان می‌برند؛ حتی به زن و بچه مردم رحم نمی‌کنند و اگر جوانی در خیابانی ببینند ابتدا او را لخت می‌کنند و سپس به بدن او شلاق می‌زنند و آنگاه او را به شکنجه‌گاه‌ها می‌فرستند و از همه بدتر این دژخیمان سوگند خورده نقشه حمله و یورش ناگهانی پیش گرفته‌اند. به منازل مردم ناگهان حمله می‌کنند و حتی از دیوار مردم بالا می‌روند و وحشت و دلهره در قلوب مردم ایجاد می‌کنند. اکنون ما نه تأمین مالی و نه تأمین ناموسی و نه تأمین جانی داریم. منازل علمای ما در محاصره می‌باشد. بازاری‌های آزادی‌خواه ما را اجبار می‌کنند که مغازه‌ها را باز کنند و پس از باز کردن به آنها حمله می‌کنند و غارت می‌کنند و نمی‌دانیم این افراد را از کجا آورده‌اند که کوچک‌ترین رحمی در دل آنان نیست و به هیچ فردی رحم نمی‌کنند. فقط در روز ۱۳۵۷/۱/۱۴ بچه‌دبستانی‌های کلاس اول به مدرسه رفتند. وضع شهرها همانند دهکده‌های جنگ‌زده فلسطینی‌ها است که آخر مردم جهرم چه کرده‌اند که باید این همه عذاب بکشند؟ آیا کجا را خراب کرده‌اند و به کجا حمله نموده‌اند؟ آیا شرکت در مجلس ختم به امر مراجع جرم است؟ مثل اینکه رژیم دستور داده که مال و ناموس و هستی مردم برای افراد پلیس حلال است تا هر

چه خواستند انجام دهند. ما این همه جنایت را و کشتار وحشیانه را به کدام سازمان شکایت کنیم؛ سازمان بین المللی یا صلیب سرخ یا سازمان عفو بین المللی؟ اینها که همه دوستان هم و هم کاسه هستند. اینک از تمام مسلمانان مخصوصاً از مراجع تقلید استمداد می نماییم که به داد ما مستمیدیه‌های مستضعف برسند و نمایندگانی را بفرستید اگر بگذارند وضع ما را از نزدیک مشاهده نمایند.^۱

۰۲۱۵۲۰۴۸
بِسْمِ اللّٰهِ الْقَاسِمِ الْجَبَّارِیْنِ

اللاهی مردم داغ دیده و صیبت زده جهرم به حضور مراجع تقلید و ضممه برادران مسلمان
ما مردم جهرم امروز چهلیم هجدهای تمبریزلیق اعلان عزای عمومی حضرت آیت الله العظمی آقای خمینی و مراجع تقلید
تقلید در مسجد جامع جهرم مجلس تنفیس برگزار نمودیم و تا ساعت ۷:۵۵ بعد از ظهر ادامه داشت پس از پایان مجلس
مرگ کفندگان کاغذ منازل خود میبندند کثرت جمعیت تمام غیبا بان اطراف مسجد حوله داده و مردم با کمال آرامش
و بیخون تا نماز حرکت میکردند افراد پلیس نریمان ششم بهمن متمرکز شده بودند و مردم با چشم خود دیدند
که یک ارا از ارا پلیس همیشه با نکی را نگهتد و پس از آن حمله مسلمانان در میدان سوگند خورده شروع به تفریق انداختن
پلیس و ناگهان مردم را در جهرت کرده بود یعنی چه؟ نه نظائر آنی؟ نه تهاجی؟ نه تفریبی؟ آهرا و به چه
حجوز قانونی پلیس روی ما آتش گشود؟ چرا از ما عین آب با من و با گاز ایفک آور برای متفرق کردن جمعیت استفاده
نکرد؟ آیا اینان سوگند خورده اند که فقط خون بریزند و یا کشتار و ترور را احسانت ملت را بخوابانند؟ نه دیگر
دیده است. آری اینان مانند بزرگ درخت جوانان ما را روی هم ریختند و از معد کشته شدگان اطلاع کامل نداریم
صمیم اندازه بدیم که ترا و اقل حمله عن نفر را که عیب خنده اند و پس از آن تعداد میداده چند نفر رسیده اند
نمی دانیم و باز معات فراوان توانستیم اطلاع حاصل کنیم که در یک از میما رستا نیا بهر از ۵۰ نفر خروج وجود
دارد که جانان رویه و با مت است و فرآیند نه جهات میباید و تعداد خیلی زیاد از زمینان در منازل مسالجه
میبوند و پس از تفریق اندازی بفرمانده تا چند نفری جهرم حکومت نظامی بود و از ایفک کشته شدگان و زمینان و
باز بریار کتجه در میدانان الاغی نسیس داریم.

وقلا هم نرمان کویه و پس کویه ما ی غیر ارا پلیس و گارد مستقر مستقر مگر را ببینند مگر ترمینند و به
زندانی بجهت حق به زن و بچه مردم رحم نمیکند و اگر جوانی را در غیبا بان ببینند ابتدا اورا لخت میکنند و پس
به بدن او و لخت میزنند و نگاه اورا به کتجه گاه میفرستند و از همه بدتر این در زمینان سوگند خورده نقشه حمله
و یوری ناگهان می گرفته اند به منازل مردم ناگهان حمله میکنند و متفرق ارا دیوار مردم بالانبر و تفریق و
دلبره در قلوب مردم ایجاد میکنند کتون مانه تا همین مالی ونه تا همین ناموس ونه تا همین جان دارم
منازل علما ما در محاصره میباید باز می آرا دیوار ما اجبار میکنند که منازه را باز نکنند و پس از بازگردد
به آنها حمله میکنند و فرات میکنند و نسیس این ارا ارا از کجا آورده اند که کوچکترین رحم در دل آنا ن
نیست و به هیچ نردی رحم نمیکند فقط امروز ۱۳۵۷/۱/۱۸ بچه دیستان نیا ی کلی اول بفرسه رفتند و متفرق جهرم
صانند که کدهای چند زنده فکسلینها است که از مردم جهرم چه کرده اند که باید این همه عذاب بکنند؟ یا
گیا ارا غراب کرده اند و به کجا حمله نموده اند؟ آیا حرکت در مجلس ختم به امر مراجع جهرم است
مثل اینکه رژیم دستور داده که مال و ناموس و متنی مردم برای افراد پلیس پلان است تا هر چه خواستند انجام
دهند این همه جنایت را و کشتار و وحشیانه را به کدام سازمان نکا بکنیم سازمان بین المللی یا صلیب سرخ؟
پاسازمان عفو بین المللی اینها که همه دوستان هم و هم کاسه هستند.
ایفک از تمام مسلمانان بضرمان از مراجع تقلید استمداد می نماییم که به داد ما مستمیدیه‌های مستضعف برسند
و نمایندگانی را بفرستید اگر بگذارند وضع ما را از نزدیک مشاهده نمایند.

اما لی بعدا و رسمیت زده جهرم

کتب ارا اروپا نیت و دا نجر جوان

۳۶۹
 نقش سنت‌های مذهبی در تشدید روند انقلاب اسلامی
 دوره سوم - سال نهم - شماره ۳۰ - زمستان ۹۰

۱. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷، باز یابی ۲۱۵۲، ص ۴۸.



معصومه زارعیان نخستین شهید جهرم در انقلاب اسلامی

همان‌طور که ذکر گردید، در نتیجه برخورد مأموران رژیم با مردم، یک نفر خانم در جهرم به شهادت رسید. شهید معصومه زارعیان فرزند امرالله در تاریخ ۱۳۳۹/۴/۱۱ در جهرم متولد شد. وی معتقد به دین مبین اسلام بود و در تمام جلسات مذهبی شرکت می‌کرد و با وجود خفقان شدید از سوی رژیم پهلوی به فعالیت در زمینه سیاست‌ها و راه امام می‌پرداخت و هیچ وقت نماز و روزه‌اش ترک نمی‌شد. از زمانی که مردم به رهبری روحانیون دست به فعالیت سیاسی و گسترده علیه رژیم پهلوی زدند، ایشان نیز از همان ابتدا که در سن ۱۷ الی ۱۸ سالگی بود فعالیت خویش را شروع کرد و سرانجام در تظاهرات چهلم شهدای تبریز در جهرم به درجه رفیع شهادت نایل آمد و نام خود را به عنوان اولین شهید زن جهرم ثبت کرد. برادر شهید، احمدعلی زارعیان نحوه شهادت ایشان را این‌گونه بازگو می‌کند:

شهید معصومه زارعیان به همراه مادرم در این مجلس چهلم و همچنین تظاهرات حضور داشتند. چون این تظاهرات اولین تظاهرات علیه رژیم در جهرم بود باعث خشم شدید مأموران پهلوی شد تا آنجا که مأموران با شلیک تیر هوایی قصد پراکنده کردن مردم را داشتند ولی غافل از اینکه مردم هر لحظه متحدتر می‌شدند. این تظاهرات از مسجد جامع تا میدان مصلی ادامه داشت که به خیابان سعدی سابق (شهید باهنر فعلی) منتهی می‌شد که شهید بزرگوار در بلوار شهید باهنر، زمانی که قصد عبور از خیابان را داشت و در حالی که شعار «مرگ بر شاه» سر می‌داد تا نزد مادرم بیاید، با شلیک دو گلوله از طرف مأموران رژیم پهلوی که به سینه او اصابت کرد، در همان لحظه به درجه رفیع شهادت نایل آمد. اینجانب چون خودم در تظاهرات بودم کمی بالاتر از محل شهادت خواهرم بودم که توسط دیگران شنیدم که دختری پایین‌تر از محلی که من ایستاده بودم به ضرب گلوله به شهادت رسیده است. در همین هنگام به طرف او رفتم و متوجه شدم کسی نیست جز خواهرم... بر خورد مقامات شاهنشاهی بسیار زشت و غیر انسانی بود تا آنجا که زمانی که برادرم در حال بردن جسد خواهرم به طرف بیمارستان بود، مأموران رژیم شاه جلوی موتور سیکلت حامل شهید معصومه زارعیان و برادرم و همسایه منزلمان (حسن کارگرفرد) که پیرمردی با محاسن



سفید بود را می‌گیرند و می‌گویند که به کجا می‌روی؟ و می‌پرسند که چه کسی به این دختر شلیک کرده که برادرم با صدای بلند به مأموران معترض می‌شود و می‌گوید شما که آدم می‌کشید، لااقل وسیله حمل آن را هم مهیا کنید. در همین حال مأموران ناراحت و خشمگین می‌شوند و با قنداق اسلحه به سر و صورت هر ۳ نفر می‌زنند. مأموران پهلوی حتی به بدن بی‌جان یک دختر هم رحم نکردند. مأموران جنازه را با زور از دستان آنها بیرون آوردند و با زور و تهدید اسلحه، برادرم و صاحب موتور را از بیمارستان دور کردند. برادرم با ناراحتی به مأمورین گفته بود که خواهرم کشته شده و این جسد خواهر من است ولی مأموران با توهین و پرخاش نسبت به برادرم آن را روانه منزل کردند. به هر حال به هیچ عنوان اجازه تشییع جنازه را به ما ندادند چون جنازه توسط مأمورین ساواک به صورت مخفیانه به شیراز برده شده بود و جسد، ۴ الی ۵ روز در شیراز بود. در این مدت منزل ما هم در محاصره مأمورین ساواک قرار داشت و اجازه عبور و مرور را نمی‌دادند. رژیم پهلوی از ترس اینکه مبادا مردم به بهانه تشییع جنازه مجدداً علیه رژیم دست به تظاهرات بزنند از ما خواستند که جنازه را در شیراز و در جوار احمدبن موسی (ع) شاهچراغ دفن کنیم ولی با مخالفت شدید مادرم و خانواده روبه‌رو شدند. آنها دست بردار نبودند و اصرار می‌کردند که با آنها موافقت کنیم ولی ما این بار به بهانه اینکه مادرمان پیر است و توانایی رفت و آمد به شیراز را ندارد با آنها مخالفت کردیم. سرانجام آنها در مقابل خواسته ما تسلیم شدند و نیمه‌شب روز بعد به طور مخفیانه مأمورین ساواک به درب منزل ما مراجعه کردند و گفتند: فقط پدر و مادر تان بیایند که کار مهمی پیش آمده است. این در حالی بود که پدرمان به رحمت ایزدی پیوسته بود لیکن آنها مادرم را به همراه شوهر خاله‌ام تحت‌الحفظ با ماشین بردند.^۱

مادر شهید زارعیان در این باره می‌گوید:

ابتدا ما را به پاسگاه ژاندارمری قطب‌آباد بردند. چون از قبل به طور مخفیانه جنازه از شیراز به قطب‌آباد منتقل شده بود. در راه مأمورین ساواک مرتباً از طریق بی‌سیم با جهرم تماس می‌گرفتند و می‌پرسیدند

۱. مصاحبه با آقای احمدعلی زارعیان برادر شهید معصومه زارعیان، جهرم، آبان‌ماه ۱۳۸۸.



که آیا شهر آرام است یا نه؟ آیا کسی از این قضیه مطلع نشده است. این در حالی بود که ساعت یک نیمه شب بود. بعد از اینکه مأمورین از آرامش شهر مطلع شدند، جنازه را به طرف قبرستان رضوان جهرم منتقل کردند و ما شاهد محاصره شدید اطراف قبرستان بودیم و حدوداً ساعت ۳ نیمه شب بود که مراسم خاکسپاری به اتمام رسید و ما را به منزل آوردند.^۱

برادر شهید زارعیان در ادامه می گوید:

زمانی که مادرم به منزل آمد مانند مرده متحرک بود و حال بسیار پریشان داشت و کمرش را که خمیده شده بود به وضوح می توانستیم مشاهده کنیم. بعد از خاکسپاری بود که مشکلات ما توسط ساواک آغاز شد و مانع از انجام مراسم ختم در روزهای سوم، هفتم و چهلم آن شهید بزرگوار شدند و فقط اجازه دادند که این مراسم با حضور افراد نزدیک در منزل برگزار شود و گفتند اجازه ندارید در مسجد برگزار کنید و حتی گفتند حق ندارید که بر سنگ قبر خواهرتان نام شهید را بنویسید ولی ما نام شهید را بر روی سنگ قبر نوشتیم.^۲

اعلامیه امام خمینی (ره) به مناسبت کشتار رژیم در شهرهای مختلف کشور از جمله جهرم

حضرت امام خمینی (ره) به مناسبت قیام مردم جهرم و برخی از شهرهای دیگر بعد از برگزاری مراسم چهلم شهدای تبریز و شهادت تعدادی از مردم، پیامی صادر کردند و در طی آن فرمودند:

... سلام و تحیت بر مؤمنین محترم یزد و سایر شهرهایی که با خون خود بزرگداشت اربعین خونین تبریز را گرامی داشتند... دستگاه جبار با اعصاب خردشده و با ادامه قتل و چپاول در بلاد مختلف مثل جهرم و اهواز و با دست زدن به خرابکاری و انفجار منازل آزادی خواهان و دزدی و ضرب و جرح علنی افراد مبارز و حمله سبعانه به جوانان مسلمان در کوه‌ها توسط «گروه انتقام» ساخته شاه و بستن مالیات‌های کمر شکن

۱. مصاحبه با مادر شهید معصومه زارعیان، جهرم، آبان ماه ۱۳۸۸.

۲. مصاحبه با آقای احمدعلی زارعیان.

به کسبه متعهد به انتقام شرکت در اعتصاب همگانی، اجازه تنفس را هم از ایرانیان سلب کرده است. کسانی که از حال این ملت رنج دیده در این پنجاه سال آگاه‌اند و به سرنوشت ایران علاقه دارند، از جمع طبقات، از کارگر تا دهقان، از دانشجو یان قدیم تا دانشگاهی‌ها، از لشکری تا کشوری باید بدانند با دست آوردن آزادی در برکنار شدن شاه و دودمان او است که دشمن سرسخت ملت و نقطه اصلی بدبختی است و تصور آنکه بدون کنار رفتن و انتقام از او آرامش ملتی که همه چیزش به دست او به باد رفته است به او برگردد، خیالی است باطل. از خداوند متعال وحدت کلیه مسلمین و خصوص ملت سربلند ایران را خواستار و قطع ایادی اجانب و عمال آنها را امیدوارم...^۱

انعکاس حادثه جهرم در رسانه‌ها و مطبوعات

رژیم بعد از ضرباتی سنگین که در قم و تبریز از مردم خورده بود، تمهیدات گسترده‌ای برای جلوگیری کردن از وقوع چنین حوادثی در شهرهای دیگر اعمال کرد. در واقع در شهرها نوعی حکومت نظامی اعلام نشده وجود داشت. با این تمهیدات تصور شاه این بود که دیگر مشکلی در شهرها به وجود نخواهد آمد. اما حادثه جهرم و برخی از شهرهای دیگر مثل یزد که چهلیم شهدای تبریز را بر گزار کردند و در آن عده زیادی شهید، مجروح و بازداشت گردیدند تمام معادلات رژیم شاه را بر هم زد. بعد از قیام مردم متعهد و انقلابی تبریز و تظاهرات عظیم مردم شهرهای جهرم، یزد و قم و دیگر شهرهای کشور، زمان دیگر برای مردم ما به کندی نمی گذشت؛ بلکه این رژیم بود که دچار بحران و مشکل شده بود و زمان برایش به کندی در گذر بود. آقای بشارتی که در این زمان در تهران بودند درباره انعکاس خبر تظاهرات مردم جهرم، پس از برگزاری مراسم چهلیم شهدای تبریز می گویند:

یک باره خبر رسید که به مناسبت چهلیم شهدای تبریز، گروهی از جوانان جان بر کف متعهد و انقلابی شهر جهرم با پخش اعلامیه‌های امام خمینی و چسباندن اعلامیه بر در و دیوار شهر، شعارهای تند را بر علیه رژیم به راه انداخته و ضمن حمله به ساختمان حزب رستاخیز و شکستن تابلوی آن و انداختن مواد آتش‌زا در آنجا، با موتور سیکلت

۱. صحیفه/امام، ج ۳، ص ۳۸۰-۳۷۸.





دست به تظاهرات در سطح شهر زدند. به دنبال تظاهرات موتور سیکلت‌سوارها مردم به طرفداری از امام خمینی و جوانان به خیابان‌ها ریخته، شعارهای تندی را علیه شاه سردادند و شیشه‌های بسیاری از بانک‌ها، ادارات دولتی و مظاهر رژیم را از بین بردند. به قدری این حرکت تند، غافلگیرانه و بهت‌آور بود که رژیم چاره‌ای جز سرکوب مردم نداشت. مردم هم که از زن و مرد و پیر و جوان به خیابان‌ها ریخته بودند به مقاومت ادامه دادند و نشان دادند که ضرب و شتم دیگر تأثیری ندارد. سرانجام رژیم دست به اسلحه برد و جمع زیادی مجروح و گروهی نیز کشته شدند.^۱

حادثه جهرم در رسانه‌های خارجی و داخلی انعکاس گسترده‌ای داشت. شاه که از خبر تظاهرات مردم جهرم و چند شهر دیگر به مناسبت چهلم شهدای تبریز و به شهادت رسیدن تعدادی از هموطنان به شدت به وحشت افتاده بود، با وارونه کردن حقایق، تظاهرات مردم جهرم و چند شهر دیگر را توسط گروهی اخلاک‌گرم معرفی کرد. به همین علت به رسانه‌ها و مطبوعات دستور داده شد تا مردم شرکت‌کننده و کشته‌شدگان در تظاهرات شهر جهرم و چند شهر دیگر را اخلاک‌گرم و آشوب‌گرم معرفی کنند. رادیو ایران در روز جمعه ۱۱ فروردین ۱۳۵۷ درباره این حادثه می‌گوید:

... گروهی اخلاک‌گرم طی دیروز و دیشب در برخی از شهرها به مؤسسات عمومی و رفاهی حمله کردند و آسیب‌هایی به بار آوردند. تحریکات و اخلاک‌گرمی عوامل بیگانه که در روزهای اخیر در پاره‌ای از نقاط کشور انجام گرفت، موجب شد تا گروهی معدود از اخلاک‌گرم دست به آشوب بزنند و تأسیسات اقتصادی، فرهنگی، آموزشی و بانک‌ها را هدف قرار دهند. بر اثر آشوب گروه معدودی اخلاک‌گرم یک نفر در جهرم کشته شد. این خبر در رادیو بی‌بی‌سی نیز انعکاس داشت. گزارش رادیو بی‌بی‌سی درباره حادثه جهرم و چند شهر دیگر در مقایسه با اخباری که در داخل ایران منتشر شد بیشتر به واقعیت نزدیک بود. رادیو بی‌بی‌سی در روز جمعه ۱۱ فروردین ۱۳۵۷ این خبر را این‌چنین منعکس کرد:

پیرامون تظاهرات ضد دولتی در آن کشور اخبار بیشتر منتشر یافته

۱. علی محمد بشارتی جهرمی، عبور از شط، تدوین احمد رشیدی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۵.



است. این تظاهرات روز گذشته به عملیات خشونت‌آمیز انجامیده است. از قرار معلوم تظاهر کنندگان مسلمان به مناسبت مرگ تظاهر کنندگان ماه گذشته تبریز نسبت به دولت اعتراض می‌کرده‌اند. بر اساس خبر رسمی رسیده از ایران در تظاهرات ضد دولتی در شهر جهرم یک نفر کشته شده است. مقامات رسمی اظهار می‌دارند که شورش کنندگان به بانک‌ها و ادارات دولتی در جهرم حمله کرده بودند و افراد پلیس در ابتدا با ماشین آب‌پاش و گاز اشک‌آور با آنها مقابله نموده بودند و پس از آن برای اعلام خطر دست به تیراندازی هوایی زده بودند. طبق گفته مقامات رسمی ایران پس از این جریان بود که مردی^۱ بر اثر اصابت گلوله به قتل رسیده است. خبرنگاری که برای بی‌بی‌سی گزارشی می‌فرستد چنین می‌گوید: بر طبق گفته رادیو دولتی، در تظاهرات ضد دولتی که در شب پنج‌شنبه در شهر جهرم رخ داد یک نفر کشته شده است. هدیه مقبور گفت: تظاهر کنندگان، بانک‌ها و ساختمان‌های مؤسسات عمومی را در جهرم مورد حمله قرار دادند. دولت ادعا کرده است که پلیس ابتدا به تظاهر کنندگان هشدار داده تا متفرق شوند و سپس از آب و گاز اشک‌آور استفاده کرده، اما اثری نداشت. بر طبق گفته رادیو دولتی پس از آن پلیس قبل از شلیک گلوله که در اثر آن یک نفر کشته شد، به هوا شلیک نمود. خبرنگار رسمی حادثه را با کمی اختلاف گزارش داد و گفت که فرد مزبور زمانی کشته شد که سعی می‌کرد اسلحه پلیس را برباید.^۲

خبرنگاران خبرگزاری دولتی پارس نیز گزارش‌هایی در این باره از شهر جهرم و چند شهر دیگر تهیه نمودند.^۳ در قسمتی از این گزارش‌ها آمده است:

جمعه ۵۷/۱/۱۱ در جهرم یک نفر به شهادت رسید. در شهر جهرم تظاهرات اخلاک‌گرا نه‌ای به وقوع پیوست و اخلاک‌گران به مأمورین انتظامی حمله نمودند که در نتیجه مقابله مأمورین با آنها، یک نفر کشته و چند نفر مجروح شدند.^۴

۱. منظور شهید معصومه زارعیان است که به اشتباه مرد گفته شده است.

۲. اخبار رادیو بی‌بی‌سی پیرامون چهلم شهدای واقعه بیست‌ونهمین ۱۳۵۶ در یزد و جهرم، ۱۳۵۷/۱/۱۱، شماره بازیابی ۴۱۱۸.

۳. روز شمار انقلاب اسلامی، واحد تدوین تاریخ انقلاب اسلامی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی / حوزه هنری، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۶۳.

۴. همان، ص ۶۶.



این واقعه در روزنامه‌ها نیز انعکاس داشت. خبری که از طرف دستگاه امنیتی به مطبوعات داده شد تحریف شده بود. در این خبرها علت شهادت معصومه زارعیان، اقدام وی به تصرف اسلحه یکی از مأموران نظامی گفته شد که نادرست بود. روزنامه/اطلاعات در این باره می‌نویسد:

در پی اغتشاش‌ها و آشوب‌های روزهای هفتم و هشتم، نهم و دهم فروردین ماه عصر روز پنجشنبه و اوایل صبح جمعه نیز عوامل اخلاگر با ایجاد بلوا و آتش‌سوزی و تحریک مؤسسه‌های فرهنگی، آموزشی و اقتصادی به اعمال ضد ملی ادامه دادند و بر اثر این اغتشاشات ۱۳ نفر کشته و مجروح شدند. در چهارم حدود ساعت ۸ بعد از ظهر پنجشنبه عده‌ای از عناصر اخلاگر در این شهر به تظاهرات ضد میهنی پرداختند و به مغازه‌های مردم و اتومبیل‌های پلیس حمله کردند که مأموران انتظامی به آنها اخطار کردند متفرق شوند. ولی اخلاگران به عملیات خود ادامه دادند و مأموران انتظامی ابتدا برای متفرق کردن آشوبگران از ماشین آب‌پاش و گاز اشک‌آور استفاده کردند و در اثر حمله‌های متقابل عوامل مخرب ناچار به تیراندازی هوایی شدند. در این هنگام اخلاگران در صدد حمله به مأموران و گرفتن اسلحه آنها برآمدند که بر اثر دفاع مأموران انتظامی یک نفر مورد اصابت گلوله قرار گرفت و کشته شد.^۱

روزنامه‌کیهان درباره همین حادثه نوشت:

در تظاهرات ۲۱ شهر گروهی کشته، مجروح و دستگیر شدند. در یزد و جهرم ۳ نفر کشته و ۷ نفر مجروح شدند. دیروز و پریروز تظاهرات خیابانی، پخش اعلامیه، حمله به بانک‌ها و اتومبیل‌های پلیس در شهرهای مختلف ادامه پیدا کرد. طبق گزارش خبرنگاران خبرگزاری پارس ۳ نفر در حوادث روزهای چهارشنبه و پنجشنبه کشته و عده‌ای زخمی و دستگیر شدند. بر اساس گزارش‌های خبرگزاری پارس در روزهای چهارشنبه و پنجشنبه جمعاً در ۲۱ شهر آشوب روی داد. گزارش درباره حوادث ۵ شهر در کیهان روز پنجشنبه چاپ شده است. شرح آشوب‌ها در ۱۷ شهر دیگر را خبرگزاری پارس چنین گزارش داده است: در تظاهرات جهرم که پنجشنبه روی داد یک تن جان خود

۱. اطلاعات، ش ۱۵۵۷۳، ۱۳۵۷/۱/۱۲، ص ۴.



را از دست داد. گزارش خبرنگاران پارس از نقاط مختلف حاکمیت که اخلاک‌گران و تحریک‌شدگان استعمار و دشمنان ایران این بار کوشیدند در نیمه‌های شب و نخستین ساعات بامداد که شهرها خلوت و مردم به استراحت مشغول بودند، نیات وحشیانه و ضد ملی خود را جامه عمل بپوشانند. بر اساس این گزارش‌ها در جهرم حدود ساعت ۸ شب پنجشنبه عده‌ای از عناصر اخلاک‌گر در این شهر به تظاهرات ضد میهنی پرداختند و ضمن آن به بانک‌ها، مغازه‌های مردم و اتومبیل‌های پلیس حمله کردند که مأمورین انتظامی به آنها اخطار کردند که متفرق شوند. ولی اخلاک‌گران به عملیات خود ادامه دادند. مأمورین انتظامی ابتدا برای متفرق کردن آشوبگران از ماشین آب‌پاشی و گاز اشک‌آور استفاده کردند و در اثر حمله‌های متقابل عوامل مخرب ناچار به تیراندازی هوایی شدند. در این هنگام اخلاک‌گران در صدد حمله به مأمورین و گرفتن اسلحه آنها برآمدند که بر اثر دفاع مأموران انتظامی یک نفر مورد اصابت گلوله قرار گرفت و کشته شد.^۱

تلاش برای برگزاری مراسم تحریم شهدای جهرم و... در شهرهای مختلف کشور

در پی وقایع جهرم و چند شهر دیگر بعد از برگزاری مراسم چهلم شهدای تبریز، مراجع تقلید ضمن ابراز تأسف شدید از این حوادث و آگاه‌سازی اذهان در برابر اقدامات رژیم در جهت تفرقه‌افکنی میان ملت و روحانیت بر ادامه مبارزه با رژیم پهلوی تأکید فرمودند. در ساعت ۹ روز ۱۶/۱/۵۷ مجلس فاتحه‌ای به مناسبت هفتمین شب کشته شدن شهدای شهرهای جهرم، یزد و اهواز با حضور آیات و روحانیان حوزه علمیه قم و با شرکت قریب دو هزار نفر از طلاب علوم دینی در مسجد اعظم شهر قم برگزار گردید. در این مجلس، ابتدا آیاتی از کلام‌الله مجید قرائت شد و سپس واعظی به نام عبدالحسین محمودی بالای منبر رفت و ضمن اشاره به وقایع شهرهای مذکور، موارد زیر را به عنوان خواسته‌های جامعه روحانیت مطرح کرد:

۱. اجرای کامل احکام دین مبین اسلام
۲. بازگشت روح‌الله خمینی به ایران

۱. کیهان، ۱۲/۱/۱۳۵۷، ش ۱۰۴۲۶، ص ۲۰.



۳. استفاده از حجاب توسط بانوان
 ۳. دادن آزادی بیشتر به دانشجویان مراکز عالی
 ۴. رسیدگی به وضع زندانیان
 ۶. برچیدن مغازه‌های مشروب‌فروشی
 نامبرده سپس گفت: «این است خواست‌های ما، ولی با وجود این ما را مرتجع می‌خوانند. مه فشانند نور و سگ عوعو کند!»
 در پایان مجلس مذکور در هنگام خروج جمعیت از مسجد، تعدادی از شرکت‌کنندگان چندبار شعار «درود بر خمینی» سردادند.^۱
 در همین حال در روز ۱۳۵۷/۱/۱۷ همچون روزهای گذشته مراسمی به مناسبت هفتم شهدای چهارم، یزد و اهواز در گوشه و کنار کشور برگزار شد.^۲
 به دنبال نزدیک شدن چهلمین روز شهادت شهید معصومه زارعیان و چند شهید دیگر از شهرهای یزد و اهواز اعلامیه‌های مختلفی از سوی مراجع و علمای سایر کشور در محکوم کردن جنایات رژیم و برگزاری مراسم چهلمین روز شهادت آنها صادر شد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:
 • متن اعلامیه شماره ۱ جامعه روحانیت ایران درباره چهلمین روز کشتار مردم در جهرم و دیگر شهرها

فان حزب‌الله هم الغالبون

ملت مسلمان ایران با تعطیلی عمومی خود سومین چهلم شهدای سراسر ایران را گرامی می‌دارد... روز سه‌شنبه ۱۳۵۷/۲/۱۹ به مناسبت چهلم شهدای قهرمان یزد، جهرم، قزوین، اصفهان و سایر شهرستان‌های ایران که در روز دهم فروردین ۱۳۵۷ به دستور شاه جلاد به شهادت رسیده‌اند اقدام به تعطیل عمومی خواهند نمود.^۳

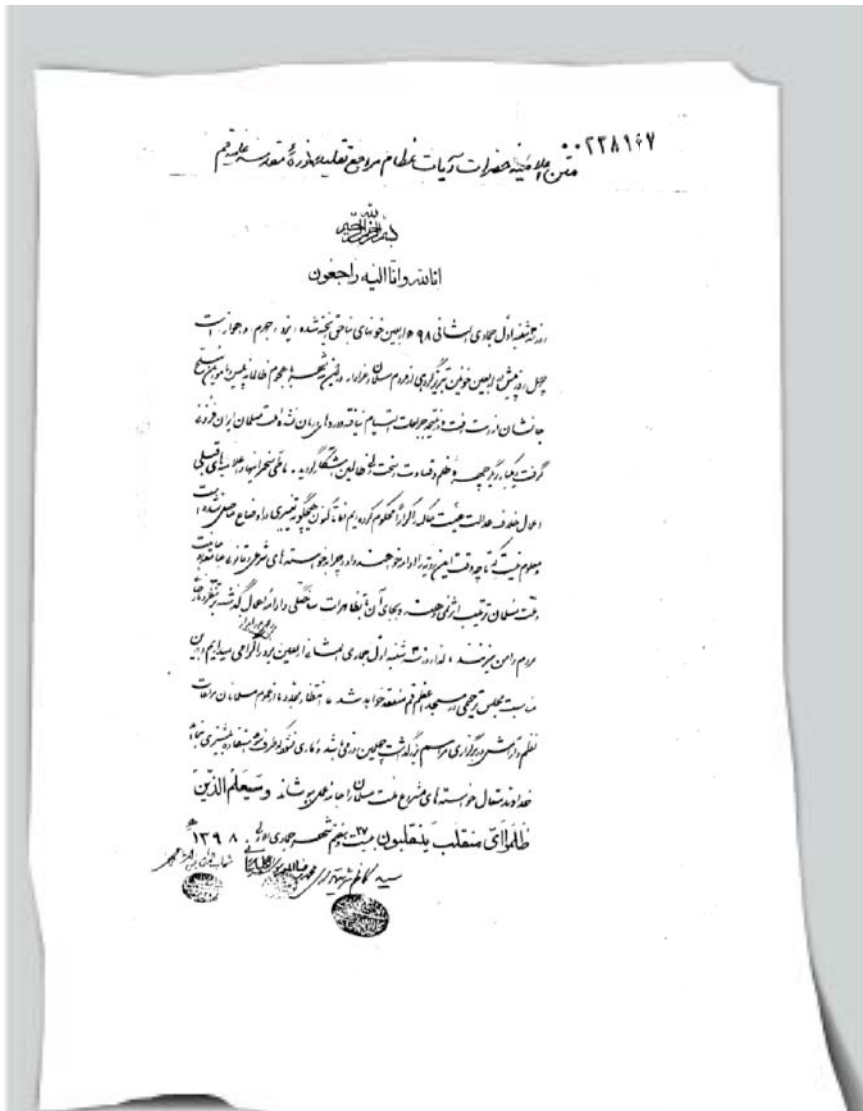
• اعلامیه آیات قم به مناسبت چهلم کشته‌شدگان وقایع جهرم، یزد و اهواز
 آیات قم گلپایگانی، مرعشی نجفی و آقای شریعتمداری در شب ۱۳۵۷/۲/۱۰ در دارالتبلیغ اسلامی قم با یکدیگر ملاقات و درباره مراسم چهلم کشته‌شدگان جهرم، یزد و اهواز با هم تبادل نظر نموده و سرانجام تصمیم گرفتند که برای روز ۱۳۵۷/۲/۱۹ که

۱. انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، همان، ص ۲۲۳.

۲. روزشمار انقلاب اسلامی، همان، ص ۱۰۰.

۳. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد پرونده ۱۴۵۱۴/۱/اسناد/انقلاب/اسلامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۴۷۴.

مصادف با چهلمین روز کشته‌شدگان جهرم و یزد می‌باشد مراسمی برگزار کنند و در این باره اعلامیه‌ای را هم منتشر نمایند.^۱



متن اعلامیه آیات عظام گلپایگانی، مرعشی نجفی و آقای شریعتمداری

۱. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، بازیابی ۲۳۸، تاریخ ۱۳۵۷، ص ۱۴۱.



سرانجام در عصر روز ۱۳۵۷/۱۲/۱۶ اعلامیه‌ای با مهر و امضای سه نفر از آیات گلپایگانی، مرعشی نجفی و آقای شریعتمداری به مناسبت چهلمین روز کشته‌شدگان شهدای جهرم، یزد و اهواز منتشر شد. آیات در این اعلامیه اعلام کردند:

طی سخنرانی‌ها و اعلامیه‌های قبلی اعمال خلاف عدالت هیئت حاکمه را محکوم کرده‌ایم، اما تاکنون هیچ‌گونه تغییری در اوضاع حاصل نشده است و معلوم نیست تا چه وقت این رویه را ادامه خواهند داد.^۱

سواک که از انتشار این اعلامیه به شدت دچار وحشت شده بود، به کلیه پست‌های کلیدی کشور اعلام کرد:

چون احتمال دارد سایر روحانیون و عناصر افراطی مذهبی به تبعیت از آیات فوق مجالسی برگزار نمایند لذا پیش‌بینی و مراقبت‌های لازم معمول و هر گونه اتفاقی گزارش شود.^۲

عده‌ای از شهرستان‌های مختلف به منظور شرکت در مجلس یادبود چهلمین روز حوادث جهرم، یزد و اهواز به قم مسافرت نمایند و آیت‌الله صدوقی روحانی مقیم یزد نیز احتمالاً به این منظور مسافرت خواهند نمود؛ علیهذا خواهشمند است دستور فرمایید در این زمینه پیش‌بینی و مراقبت‌های لازم معمول و نتیجه را اعلام دارند.^۳

• اعلامیه حوزه علمیه قم درباره برگزاری مراسم چهلمین روز شهدای جهرم، یزد،

اهواز، اصفهان و دیگر شهرها

در این اعلامیه آمده است:

بسمه تعالی

و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احياء عند ربهم یرزقون چون ملت مسلمان و متعهد ایران به خاطر تجلیل از شهدای مقاومت یزد، جهرم، اهواز، اصفهان و دیگر شهرهای ایران و برای بزرگداشت اربعین آن جانبازان راه اسلام و آزادی که به دستور شاه جلاد در روز ۱۳۵۷/۱۱/۱۰ به شهادت رسیدند، روز سه‌شنبه ۱۳۵۷/۲/۱۹ را عزای عمومی اعلام نموده و تعطیل سراسری خواهند داشت، لذا حوزه علمیه قم ضمن اظهار همدردی، اعلام تعطیل حوزه علمیه نهاده و یادآور

۱. همان، ص ۱۴۰.

۲. همان، ص ۱۵۲.

۳. همان، ص ۱۶۱.

می شود که به این مناسبت در روز سه شنبه ۱۳۵۷/۲/۱۹ از طرف حضرات آیات عظام و مراجع بزرگوار ایدهم الله تعالی در مسجد اعظم قم مجلس یادبود آن شهیدان راه حق و عدالت برقرار می باشد.^۱

• اعلامیه گروهی از علمای مشهد برای برگزاری مجالس ختم برای مقتولین حوادث شهرهای جهرم و ...

گروهی از علمای مشهد با انتشار اعلامیه‌ای چهلم شهدای جهرم، یزد و اهواز را عزای عمومی اعلام کردند. به دنبال اعلامیه سه تن از علمای مشهد (هاشمی نژاد، واعظ طبعی و محامی) که در روز ۵۷/۲/۱۵ منتشر شد در روز ۵۷/۲/۱۶ اعلامیه‌ای با امضای ده تن از روحانیون مشهد خطاب به آیت الله حاج شیخ محمد صدوقی منتشر شد. این روحانیون در اعلامیه خود مردم را به برپایی مجالسی به مناسبت چهلم شهدای جهرم، یزد و اهواز سفارش کردند.^۲

در قسمتی از پاسخ روحانیون مشهد به نامه آیت الله محمد صدوقی در مورد اعلام عزاداری عمومی به مناسبت چهلمین روز مقتولین جهرم و یزد آمده است:

... برای اینکه تا اندازه‌ای تسکین خاطر مردم مسلمان و ابراز تأسف و تأثر شده باشد ما در مشهد مقدس چهلمین روز مقتولین یزد و جهرم و اهواز (روز سه شنبه نوزدهم اردیبهشت ماه ۱۳۵۷ برابر با اول جمادی الثانی ۱۳۹۸ هجری) را به مسلمانان عزای عمومی اعلام می کنیم و از همه طبقات محترم تقاضا داریم که مراسم عزارا در این روز با کمال آرامش و متانت برگزار فرمایند...^۳

• اعلامیه وعاظ تهران درباره حوادث خونین جهرم و چند شهر دیگر

در بخشی از اعلامیه علما و وعاظ تهران درباره حوادث خونین در جهرم و چند شهر دیگر آمده است:

حوادث خونین و قتل عام‌های پی در پی که در چند ماه اخیر در ایران به وقوع پیوست موجب معرفی چهره ضد انسانی دستگاه جبار و نمودار قدرت و استقامت و رشد آگاهی مردم و عدم تنبه و ضعف و سستی پایه‌های لرزان حکومت طاغوتی گردید. هنوز خاطره بسیار اسفانگیز

۱. محسن صالح، مجموعه بیانیه‌های جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۱۸۶.

۲. انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، همان، ج ۵، ص ۲۴۱.

۳. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷، بازیابی ۲۱۵۲، ص ۵۲.





قم و فاجعه مؤلمه تبریز مسلمانان را در رنج است که حوادث خون‌بار دهم فروردین اتفاق افتاد که عده زیادی از افراد بی‌گناه در دارالمؤمنین یزد و شهرستان‌های دیگر مانند جهرم و اهواز و... به جرم دفاع از قرآن و حقیقت و پشتیبانی از مقام شامخ روحانیت به خاک و خون کشیده شدند و خانواده‌هایی عزادار گشتند.^۱

برگزاری مراسم چهلمین روز شهدای جهرم و دیگر شهرها در سراسر کشور

به دنبال نزدیک شدن چهلمین روز شهادت شهدای جهرم و یزد و برخی از شهرهای دیگر، ساواک قم در حکمی به مراجع انتظامی کشور دستور داد تا اماکن مذهبی و مکان‌هایی را که قرار است مراسم چهلمین روز شهادت شهدای جهرم، یزد و اهواز در شهرهای مختلف کشور در آن برگزار شود، کنترل امنیتی نموده و از وقوع حوادث و پیشامدهای احتمالی جلوگیری کنند. در این دستور آمده است:

برابر اطلاع بین روزهای ۱۷ و ۳۷/۲/۲۰ یا بعد از آن از سوی عناصر ناراحت مراسم چهلم کشته‌شدگان یزد و جهرم و اهواز در شهرستان‌های کشور برگزار خواهد شد و به علاوه، گزارشات واصله حاکیست حوادثی در روزهای مزبور رخ خواهد داد. علی‌هذا خواهشمند است دستور فرمایید ضمن مراقبت از کلیه مجالس و مراسم ترحیمی که در مساجد و یا منازل منعقد می‌گردد پیش‌بینی‌های لازم در مورد جلوگیری از بروز هر گونه حوادث و یا خنثی نمودن پیشامدهای احتمالی، مأمورین مربوطه را در زمینه کنترل افراد متفرقه و سرکشی به اماکن مشکوک و زیر نظر گرفتن عناصر مظنون توجه و در صورت به دست آوردن اطلاعات و اخبار و یا مشاهده موارد مشکوک مراتب را سریعاً به مسئولین مربوطه گزارش و نتیجه را به این سازمان اعلام دارند.^۲

با همه این تدابیر، در نقاط مختلف کشور از جمله تهران، تبریز، شهرهای استان مازندران، سمنان، دامغان، شهرهای استان خوزستان، همدان و... اعلامیه‌هایی در مورد عزای عمومی در روز ۱۹ اردیبهشت توزیع گردید و از مردم خواسته شد در مراسم ویژه این روز شرکت کنند.^۳ به طور نمونه شهربانی ورامین در گزارشی به ساواک این شهر از

۱. علی‌دوانی، همان، ص ۱۲۰.

۲. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، بازبایی ۲۳۸، ص ۱۶۰.

۳. روزشمار انقلاب اسلامی، همان، ج ۳، ص ۲۸۶.



توزیع اعلامیه‌هایی در دانشگاه تهران راجع به برگزاری مجلس ترحیم در منزل محمد پیشوایی در ورامین به مناسبت بزرگداشت چهلمین روز کشته‌شدگان جهرم، یزد و اهواز خبر می‌دهد. در این گزارش آمده است:

به قرار اطلاع در اعلامیه‌هایی که در دانشگاه تهران توزیع شده است قید گردیده که ساعت ۱۵ مورخه ۱۳۵۷/۲/۱۹ مجلس ترحیمی به مناسبت کشته‌شدگان یزد، جهرم و اهواز در منزل شخصی به نام سید محمد پیشوایی در ورامین برگزار می‌گردد و پس از آن شرکت‌کنندگان در مجلس ترحیم قصد انجام تظاهراتی را دارند. چون شخص نامبرده بالا تاکنون در حوزه استحقاقی این شهربانی شناخته نشده است. مراتب جهت اطلاع و بررسی چگونگی موضوع اعلام می‌گردد.^۱

خبرنگاران آلمان، فرانسه، انگلستان و برخی دیگر از خبرنگاران ممالک اروپایی که می‌دانستند از روز ۱۳۵۷/۲/۱۷ به بعد اتفاقاتی از سوی عناصر ناراحت مراسم چهلم کشته‌شدگان جهرم، یزد و اهواز روی می‌دهد، به ایران آمده بودند تا بتوانند با ارسال خبر این مراسم به کشورهای خود، مردم کشورشان را از حوادث ایران آگاه کنند.^۲

در آستانه چهلمین روز شهادی یزد، جهرم و اهواز، تظاهرات دانشجویان دانشگاه تبریز در محوطه دانشگاه و خیابان مقابل آن توسط نیروهای امنیتی و انتظامی رژیم سرکوب شد و در نتیجه تعداد بسیاری مجروح و چند تن به شهادت رسیدند.^۳ همین‌طور چهلمین روز شهادت تظاهرکنندگان جهرم، یزد و اهواز در سراسر کشور، در تاریخ ۱۹ اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۷، به شکلی بی‌سابقه گرامی داشته شد، که در آن بیش از هفت شهید و ده‌ها مجروح بر جای ماند.^۴

همچنین به مناسبت چهلمین روز شهادت تظاهرکنندگان در یزد، جهرم و اهواز مجلس فاتحه‌ای در مسجد جامع بازار تهران برگزار گردید که پس از خاتمه مجلس، حاضران با ورود به خیابان‌های اطراف و به ویژه ناصر خسرو اقدام به تظاهرات علیه رژیم نمودند.^۵ بخش زیادی از بازار تهران هم به مناسبت چهلمین روز شهادت مردم جهرم و چند شهر دیگر تعطیل شد.^۶

۱. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷، بازبایی ۱۳۵۱، ص ۱۰.

۲. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷/۲/۱۷، بازبایی ۲۳۸، ص ۱۶۲.

۳. روز شمار انقلاب اسلامی، همان، ص ۲۸۴.

۴. همان، ص ۲۹۱.

۵. همان، ص ۳۰۷.

۶. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷، بازبایی ۳۲۲، ص ۹۲.



گزارش ساواک قم راجع به شرکت برخی از آیات عظام قم و روحانیون در مجالس یادبود شهدای جهرم، یزد و اهواز در مسجد اعظم قم و سخنرانی شیخ علی تهرانی در انتقاد از دولت بدین شرح است:

روز سه‌شنبه ۳۷/۲/۱۹ ساعت ۹/۵ صبح در مسجد اعظم مجلس ختمی که به مناسبت کشته‌شدگان یزد، جهرم و اهواز با جمعیتی حدود ۲۰ هزار نفر و با شرکت آیات ثلاثه قم و سید صادق روحانی و هاشم آملی تشکیل شده بود شخصی به نام تهرانی (شیخ علی تهرانی) سخنرانی نمود.

به گزارش اسناد ساواک در قسمتی از سخنرانی ایشان چنین آمده است:

... مردم مسلمان و غیور تبریز برای چهلم شهدای قم می‌خواستند مجلس ختمی برگزار کنند که مزدوران استعمار نگذاشتند و ریختند با توپ و تفنگ و آتش بر سر مسلمانان و عده‌ای را کشتند. آخر چرا؟ سخن من با دستگاه است. همچنین برای مسلمانان یزد، جهرم و اهواز برای مجلس ختمی که برای جوان‌ها و مسلمان‌های تبریز برگزار کرده بودند، باز مجدداً مزدوران استعمار ریختند و آنها را با توپ و تفنگ همه را از بین بردند. مجلس امروز هم به عنوان چهلم شهدای یزد، جهرم و اهواز از طرف علما و مراجع تقلید برگزار گردیده و من از طرف آیات ثلاثه قم دارم سخن می‌گویم و در این موقع از افراد شرکت کننده می‌خواهد که برای سلامتی آنها صلواتی بفرستند و بعد از آن از بین جمعیت طلبه‌ای می‌گوید برای سلامتی آیت‌الله روحانی هم صلوات بفرستید. در پایان سخنران از مردم تقاضا می‌کند با آرامش مجلس را ترک کنند و از دادن شعار و تظاهرات خودداری کنند.^۱

با وجود این افراد شرکت کننده در مراسم چهلمین روز شهادت مردم جهرم، یزد و اهواز پس از خروج از مسجد اعظم قم دست به تظاهرات زدند و شعار درود بر خمینی و مرگ بر شاه سردادند. عده‌ای از زنان نقابدار هم عکس‌هایی از امام خمینی را پخش می‌کردند.^۲ کلیه مدارس و دبیرستان‌های قم نیز از ساعت ۱۰ این روز به علت شروع تظاهرات به صورت تعطیل درآمده بود.^۳

۱. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷، بازبایی ۲۳۸، ص ۱۸۱.

۲. همان، ص ۱۸۱.

۳. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷، بازبایی ۲۱۷۴، ص ۲۴.



در مشهد هم در روز سه‌شنبه ۱۳۵۷/۲/۱۹ مراسم اربعین شهدای جهرم و چند شهر دیگر در حدود ساعت ۴ بعد از ظهر از طرف گروه کثیری از روحانیون، دانشجویان، بازاریان و بانوان مشهدی در صحن حرم مطهر امام رضا(ع) برگزار شد. در هنگام برگزاری این مراسم در حالی که تجمع کنندگان خواسته‌های مشروع و منطقی خود را اظهار می‌کردند، ناگهان افراد پلیس با چوب و چماق به تظاهر کنندگان حمله کردند و آنان را شدیداً مضروب و مجروح نمودند و جمع زیادی از روحانیون و دانشجویان را دستگیر کردند. بعد از این واقعه بود که طلاب علوم دینی و کسبه و اصناف جامعه زنان مسلمان مشهد در اعلامیه‌ای، کشتن و مجروح کردن مردم مشهد در مراسم اربعین جهرم و چند شهر دیگر را به شدت محکوم کردند.^۱

نویسنده کتاب *از سید ضیاء تا بختیار* کوتاه و گویا در مورد برگزاری مراسم روز ۱۹ اردیبهشت می‌نویسد:

... نوزدهم اردیبهشت پس از یک سکوت نسبی یک‌ماهه، که تظاهرات پراکنده و درگیری‌ها در آن بسیار بود، ولی ابعاد وسیع نداشت، ناگهان تظاهرات عمومی و همزمان در بیست‌ویک شهرستان نشان داد که سازماندهی و برنامه‌ریزی جناح مذهبی نهضت از کار نیفتاده است.^۲

به هر حال برگزاری چهلم‌ها خبر از گسترش بحران برای رژیم می‌داد. چهلم اول در تبریز فاجعه به بار آورد و ابعادی را به مراتب گسترده‌تر از ۱۹ دی قم به وجود آورد. دومین چهلم در برخی از شهرها از جمله جهرم برگزار شد و تعدادی از شرکت کنندگان، شهید و مجروح شدند. از بزرگترین دستاوردهای سومین چهلم خونین، توسعه نهضت در سراسر کشور، تسریع حوادث، کم شدن فاصله قیام‌ها و خودآگاهی انقلابی دانشجویان به نقش خود در اثرگذاری، پررنگ شدن بعد مذهبی نهضت و سرانجام آغاز عقب‌نشینی رژیم از مواضع تثبیت‌شده خود بود. اولین واکنش رژیم بر کناری ارتشبد نصیری، رئیس ساواک بود که در ۱۶ خرداد برکنار و سپهبد ناصر مقدم به جای وی منصوب شد.^۳

نتیجه

برگزاری مراسم چهلم نزد مردم ایران یک سنت مذهبی - ملی به شمار می‌رود؛ ضمن

۱. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷/۲/۱۹، باز یابی ۲۱۵۲، ص ۱۱.

۲. مسعود بهنود، *نخست وزیران ایران/ ایران از سید ضیاء تا بختیار*، تهران، جاویدان، ۱۳۶۶، ص ۷۵۲.

۳. روح‌الله حسینیان، *همان*، ص ۲۲۹-۱۹۳.



آنکه عدد چهل در میان اعداد جایگاه خاصی دارد. پیامبر اکرم (ص) در سن چهل سالگی به بعثت رسید... یادمان حماسی شهدای کربلا هم اربعین است... در نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی این سنت اسلامی توانست یک کارکرد مهم و غیر قابل انکاری در تشدید نهضت ایفا نماید. در واقع هر یک از چهلم‌های شهدا حلقه تشدید مبارزات و اوج‌گیری نهضت و سرانجام انقلاب اسلامی بودند. طلاب و مردم قم در اعتراض به مقاله اهانت‌آمیز «ارتجاع سرخ و سیاه در ایران»، حماسه ۱۹ دی را به وجود آوردند و مردم تبریز در چهلم شهدای قم قیام به یادماندنی ۲۹ بهمن را علیه حکومت پهلوی به انجام رساندند. در چهلم شهدای قیام مردم تبریز، مردم انقلابی جهرم به صحنه آمدند. تظاهرات مردم جهرم در روز ۱۰ فروردین ماه سال ۱۳۵۷ و تقدیم اولین بانوی شهید انقلاب در چهلمین روز شهادت شهدای تبریز در شهر جهرم، انعکاس بسیار وسیعی در سراسر ایران داشت و در تسریع پیروزی انقلاب نقش مهمی را ایفا نمود. در واقع قیام مردم جهرم در ۱۰ فروردین ماه ۱۳۵۷ حلقه سوم از سلسله قیام‌هایی بود که منجر به قیام سراسری در ایران ضد شاه گردید. در اربعین شهدای جهرم، شهرهای دیگر نیز دست به قیام زدند و سرانجام همین استراتژی چهلم‌ها منجر به سرنگونی رژیم پهلوی شد. قیام مردم جهرم به حدی مهم بود که اکثر شهرهای ایران با پخش اعلامیه‌هایی، مجالس ترحیم هفتمین و چهلمین روز شهادت شهدای این شهر را برگزار کردند.